بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي بعث النبيين مبشرين ومنذرين و
الصلوة والسلام على رسوله محمد الذي ايده بالمعجزات
الباهرة المفيدة لليقين وارسله رحمة للعالمين و
على آله واصحابه الذين هم حماة مراسم الحق وهداة
معالم اليقين لا سيما على الخلفاء الراشدين المهديين

اما بعد می‌گوید بندهٔ خاکسار سراپا گناه مستدعی غفران ایزد منان زاویه نشین گمنامی ضعیف البنیان
محمد جان عفی الله عنه و زیب و ستر عیوبه که درین زمان مباحثهٔ دینی مابین اهل اسلام و عیسائیان در اکبرآباد
بظهور پیوسته در یکجانب رافع اعلام شریعت غرا و متوسلین بنیان ملت محمد مصطفی مؤید بتائید الهی
مولوی رحمت الله و جالینوس زمان ارسطوی دوران ڈاکتر محمد وزیر خان و در جانب دیگر پادری

فرنچ صاحب مدرس سابق اگره و در ذکاوت مشهور اند و پادری فندر صاحب صاحب میزان الحق که
مجتهد عصر خود هستند و از مدت مدید آوازه این مباحثه میزدند بنظر حقیر میآید اگرچه حال تحقیق پادری صاحب
سابقا هم از تصنیفات ایشان منکشف بود اما اکنون که مباحثه منجلی گشت و از انجا که آن مباحثه منطبع شده و
ناظر فهیم را از دیدنش حقیقت پادری صاحب که در اقران خود از علمای فحول مشهور اند منجلی خواهد شد اما ما
بعض احوال از انان واجب الانقیاد می نمایم سطری چند بطریق حکایت نوشته ضمیمه مباحثه کرده شد تا که
حال پادری صاحب بر هر که ... واضح و آشکار گردد

دفعه اول

در حفظ خط اولین مولوی صاحب
محرره ۲۳ جمادی الثانی سنه ۱۲۷۰ هجری بوده است که اول طالب مباحثه مولوی صاحب شده اند و شنیده شده که
مطمح نظر مولوی صاحب این استدعا همین بود که بر همه کس ظاهر گردد که اکثر عوام مسیحیان را اعتقاد چنان نشسته که
از مسلمانان جواب میزان الحق و دیگر تصنیفات پادری فندر صاحب نمیشود حالانکه صحیح نیست بلکه ...
صاحب القدره که مسلمانان بنا بر ذات والا و شان ... باشد چه جای از تصنیفات ایشان و مولوی صاحب
هم در خط مذکوره اشاره بدین معنی نموده اند که همه حاضرین را بر کیفیت اعتراضات جناب اطلاع ...

دفعه ۲

استدعای مباحثه در مسئله ... ظاهر شد
نسخ و تحریف که از جانب مولوی صاحب بظهور آمده سبب آن غالبا همین خواهد بود که پادری فندر صاحب
در مسئله ادعای کمال تحقیق میداشتند و درین هر دو مسئله اهل اسلام را الزامات عظیم می نمودند
چنانچه بنظر مولفات ایشان ... باشد و مولوی صاحب ... بودند
زیرا که ایشان مسئله نسخ و تحریف را در تصنیفات خویش از عمده مسائل و اساس ... مسیحیان با اهل
اسلام میدانند چنانچه در مکتوب اول از مکاتیب که مندرج ... الاشکال اند تصریح بدان فرموده
... مباحثه قرار داده اند ... مولوی صاحب ... خواهد بود که
درین دو مسئله که ... ادعای کمال تحقیق ... نقصان تحقیق پادری صاحب ...
... نقصان ... خواهد شد ...
... نقصان تحقیق پادری صاحب ...

پادری صاحب بجواب دعاوی استحالهٔ امتناع نسخ و تحریف در تصنیفات خود علی رؤس الاشهاد اقرار
امکان نسخ در کلام الهی و وقوع بالفعل آن در احکام توریت هم در احکام انجیل در عهد مسیح و در عهد
حواریین بر مذهب بعضی علما او اقرار وقوع تحریف بتفکر اهل اسلام دعوی آن می‌سازند در هشت جا از انجیل نموده
پس الحال جای غور است که در حالیکه دیدن دو سه حال فصل پادری صاحب چنین باشد در دیگر مسائل چه قدر
اعتبار خواهد بود حق این است که میزان الحق از اول تا آخر مملو از اباطیل است و غالب دعویهای او غلط و دلایل
او بی نتیجه الفاظ مشکوک است و کسی که از علوم اهل اسلام خبر ندارد از آن فریب خورده در سه هم خاطر نشین
می کرده الحال بعضی عبارات پادری صاحب بعد که نسخه‌های مذکوره باید شنید در مکتوب اول از
مکاتب مندرجه حل الاشکال مطبوعهٔ ۱۸۴۵ع چنین مرقوم است از آنجا که مباحثه میں باہم سمجھونا اور
گزارش کی مطالب تحقیق میں ایسا ضروری ہے کہ ہر مطلب ترتیب سے گفتگو کا جاری ہو بنا بر این عرض بندہ یہ ہے
کہ جناب اول ان دلایل پر ملاحظہ فرماویں جو میزان الحق کی پہلی باب کے دو شروع اور تیسری فصل میں مذکور
ہیں اور ان سے ثابت ہے کہ توریت و انجیل منسوخ ہوئی ہیں نہ محرف اور مجموعی توریت و انجیل کو کلام الہی
جانتی ہیں اور یہ منسوخ اور محرف بھی کہتی ہیں اس صورت میں بحث کی اول بات یہ ہوگی کہ یا تو آپ ان دلائل
کا جواب دیجئے یا منسوخ اور تحریف کی بات درمیان لانا نہ چاہئے انتہی و بعد چند سطور باز در جای مکتوب
مسطور است جب آپ ان دونوں باتوں کی جواب اور ازالہ کریں تب اون دلیلوں پر متوجہ ہونگے جو مفتاح
الاسرار اور میزان الحق میں ثبوت الوہیت مسیح و تثلیث ذات پاک الہی پر درج ہیں انتہی و بعد چند سطور میں
اسی طور سے ہے کہ مطالب بفقرہ اول و ثانی مذکورہ ترتیب مطالب ہیں تو ازان نکو چھوڑ کر ان پر مباحثہ کرنی
چاہی و باز در مکتوب سیوم چنین مرقوم است پہلی ان دلیلوں کی جواب ادا فرمائی جو میزان
الحق کی اس باب میں مذکور ہوئی ہیں کہ انجیل منسوخ نہیں ہوئی ہے بعد جواب کے دیگر مطالب متوجہ
ہوجئے اور اگر ان باتوں کی جواب اوس کتاب میں ہوگئی ہیں جس کا ذکر جناب نے کیا تو چاہیے کہ
ان اوس کو دیکھکر جوابات اور اعتراض جو کہ اوس کا بالکل اطلاع کرینگے بالفعل ان باتوں کی سوا
کوئی سوال نہیں ہے اصل اور اول بات یہی ہیں در صفحہ ۸۵

۱۸۶۱ء حل الاشکال در عبارت کلکته ریویو که پادری صاحب انزا ترجمه نموده باجواب کشف الاستار مرقومه
چنین مرقوم است مجتهد صاحب اپنی خط میں جو انہوں نی پادری فنڈر صاحب کو لکہا ہی کہتا ہی کہ مباحثہ کے
اصل بات جسپر کہ یہ بالکل فیصلہ ہے ہو کہ مباحثہ میں محمدیوں کی بابتہ اول اور اصل بات یہ ہی کہ
کتب مقدسہ مسیحیہ اصل اور صحیح ہیں کہ نہیں کیونکہ محمدی تو قائل ہیں کہ توریت و انجیل کلام الہی ہیں
اور صرف یہی اعتراض کرتی ہیں کہ توریت و انجیل دونو منسوخ ہوئیں اور تحریف کیگئی ہیں اور نسخ
موجودہ اصل نہیں ہیں پس جب ثابت ہوا کہ کتب مقدسہ موجودہ اصل کتب ہیں نہ منسوخ ہوئیں نہ تحریف کیگئیں
تب حقیقت دین مسیحی اور بطلان دین محمدی بہی ثابت و عیان ہوا اور تثلیث پاک اور تعلیم مسیح پر رجوع کرنا
ضرور نہیں ہی و مابعد دران کلکته ریویو مرقوم است پس جبتک توریت و انجیل کی صحت ہماری طرفسے
ثابت نہیں ہوئی یا محمدیوں نی تحریف کے دعوی کو شکستہ و باطل نہیں کیا ہی تبتلک مباحثہ ناتمام اور
لا حاصل ہوگا پس مباحثہ کی قوانین کی مطابق اور انصاف کے موافق مولوی پر واجب و لازم تہا کہ کتب مقدسہ کی
صحت کو قبول کریں اور جو انہیں بیان ہوا ہی اول جانبینی یا ثابت کر دیں کہ کتب فی الواقع محرف ہیں
اور قابل اعتبار نہیں در فصل دوم و سوم باب اول میزان الحق در بارہ محمدی این دو مسئلہ نظیر زدہ
اشتہار فرمودہ اند بر ناظران مخفی نیست **دفعہ ۳** آنچه پادری صاحب در خط اولین محررہ ۳۰ ماہ
مارچ [illegible] چنین نگارش فرموده اند که اگرچه این طریقہ {یعنی مباحثہ کی} راچندان مفید نمی دانم شاید
بسبب الله [illegible] چنین خواهد بود که پادری صاحب حال و اتقی این هر دو مسئلہ و تحقیق خود بخوبی می دانستند و یقین
داشتند که اکثر [illegible] بظهور خواهد آمد و نفع متعلق افاده [illegible] آنکه از مباحثہ علانیہ و دیگر
اظهار حق منظور باشد آن مباحثہ را در حقیقت غیر مفید دانست و ظهور حق که بر آن مترتب گردد از اہم مہمات و اعظم
فواید است علاوہ ازین از مباحثہ این فایده ہم حاصل شد کہ بعضی جہال مسلمانان کہ بسبب اغوای شیطان
[illegible] توجہ کردند و بخوبی دانستند کہ جہال پادری صاحب
در امر کہ دعوی استحکام آن می نمودند [illegible] می دانستند کہ در کتب مقدسہ
[illegible] تحریف [illegible] اعتماد و اقرار و امکان بلکہ وقوع آن کردہ

دفعه ۴ آنچه پادری صاحب در خط دوم می نگارند بطرف مخدوم پادری فنڈر صاحب آنچه تحریر کرده

ام که پادری صاحب موصوف در باب تبدیل و تحریف انجیل گفتگو [illegible] بود و دفعه باز خواهند آمد تا آمدن ایشان

موقوف باشد سبب آن شاید همین خواهد بود که هر دو پادری صاحبان اینقدر مهلت یافته که کتابهای موافق و مخالف را خوب

مطالعه نمایند و دیگر شنیده شده که پادری صاحب کوتر بیمار بوده اند و مباحثه مقرر شده بود که کدام جا حقیقت تبدیل کتب

در هوا افتاده و شنیده این خبر که شنیده شده که در وقت روانگی جوت [illegible] پادری صاحب کوتر از ڈاکتر صاحب

در حال [illegible] کتب اظهار الاولاد و هم تصنیف مولوی صاحب که از مطالع بطور عاریت طلب ساخته بوده اند و اگر صاحب

را [illegible] و بسبب رفتن [illegible] شاید این باشد که در قیام آگره بوده اند در وقت دوستان [illegible] در مطالع

کتب گرفته بوده باشند و ظاهر است که چون استدعای آن مباحثه علانیه از جانب مولوی صاحب بعد تعین مسئله بتاریخ ۲۳

مارچ الی ظهور آمده و مباحثه بتاریخ ۱۰ و ۱۱ اپریل شده و در این صورت پادری فنڈر صاحب را مهلت [illegible] روز

و پادری فرنچ صاحب را چهار روز مهلت آمده و هم شنیده شده که در این مدت در مطالع کتب تقصیری نکرده اند

بوده در اول [illegible] هر دو مسئله بخوبی علم تمام کرده مگر آن علم صاحبان چندان اثر نداد و بحمد الله که این مباحثه دفعه بطور

نیامده و دیگر نیز برای شان بسبب [illegible] قرار یافت الحال که مباحثه در میان دوام قرار یافته که پادری صاحبان

بالخصوص پادری فنڈر صاحب را در آن باب کمال [illegible] تعین مسئله هم [illegible] قبل از مباحثه شده بود و چون [illegible]

مسافر هم بوده اند کتب مذهب موافق و مخالف هم نزد شان موجود خواهد بود لیکن در عقل سلیم کدام عذر قابل [illegible]

پادری صاحب نمانده **دفعه ۵** آنچه پادری صاحب در خط جاری مورخه ۲۹ مارچ حال تحریر نموده اند که در وقت [illegible]

[illegible] خواهد بود که [illegible] بوده [illegible] هر روز [illegible] هر روز [illegible] و دشوار است

[illegible] و بعض [illegible] که در این امور پادری صاحب [illegible] اندیشیده بوده اند که اگر [illegible] در وقت

[illegible] هر روز [illegible] مسئله [illegible] یقیناً از آن بهتر شده که قلت مقدار وقت و چند روز آن [illegible]

[illegible] هر روز برای آن حاجت [illegible] [illegible] مردم [illegible] نیز غالباً

[illegible] وقت [illegible] [illegible] اعلان [illegible] گفتگو [illegible]

در [illegible] گفتگو [illegible] پادری صاحب [illegible] جان [illegible]

بیان رکیک ... مولوی صاحب ... خوانش بیان رکیک اکثر پرداختند

صاحبزادان وقتی ... عذر ... تکلیف از شوق سماعت مباحثه بودند تا مباحثه تشریف داشتند

و صاحبان ... در ... مشهود اند ... زیرا که بعد نواخت ده گنبد ... در سطور ظاهر ...

... نواخت ده گنبد ... ازواج ... زیرا که بعد نواخت ده گنبد ... مستعلین ... غیر مستعلین ... از لغت

صاحب را از عبادت ... روز ... از جانب طعام و همچنین جمیع ... مستعلین ... غیر مستعلین ...

پیدا شد ... مولوی صاحب ... بخط ... نوشته اند و همچنین ... والد صاحب ... تشریف ... روز

هم ... والد صاحب ... صفت ... باشند ... بعد از وقت ... خواهد شد ... روز

... خواهد بود که در آن روز ... جواب سوال ... و اصلاح از دیگر ... در

... چون ... در چند روز ... خواهد گشت حال ... در وعده ... روزم ... داخ

خواهد شد ... خواهد ... اگر چون ... سامعین باشند ... روز ... خواهند بود ... از

... سامعین ... در آن ... خواهد گشت **دفعه ۶** لفظ ... که در خط ... بزبان ... علم

مولوی صاحب ... مکاتیب والد صاحب بخط ... گشته ... از ارباب تهذیب ... جانان

فرموده ... از اتباع مولوی صاحب ... والد صاحب ... نظر می آید ... در ... مکاتبات ...

این لفظ ... مولوی ... صاحب مصنف ... فرموده اند در صفحه ۳۹ مکاتیب ... نگارند ... که

... بعد ... صاحبان عقل ...

... در ... این لفظ در صورت تاویل و عدم آن ...

ارباب تهذیب ... والد صاحب ... ارباب تهذیب ... مولوی صاحب ... تحقیق ...

خواهد ماند ... مولوی صاحب ... لفظ ... مطلق ...

... والد صاحب ... نظر ...

و وعده ... تشریف ... این لفظ ...

فرموده باشند **دفعه ۷** در خط ... والد صاحب ... ازالة الاوهام ...

... استفسار ... مولوی صاحب ... والد صاحب ... خواهند که ... شروع

در مباحثه تقریری با او دخل کنند چنانچه عذر نگاشته اند که نمیخواهم که تا طی شدن مباحثه تقریری در هر جا [illegible] مشغول گردد

در سوال انها مباحثه تقریری را ضرور بعد روانه نمودن خط محقق گردید که فی الواقع پادری صاحب را منظور در ان

مباحثه تقریری نبود بلکه حقیقت حال اینست که چنانکه پادری صاحب در زمانه سابق کتاب استفسار را از منشی خود سبقاً

سبقاً خوانده بودند الحال همچنین شنیده شد که ازالة الاوهام را سبقاً سبقاً میخوانند و آن فقره را در سوم

روز بعد از وصول خط چهارم استفسار فرموده بودند چنانچه پادری صاحب در خط اخیر خود ایمای آن فرموده اند و بعد

۱۸۵۴ انعقاد مباحثه تقریری مولوی صاحب حال الفقره را در خط خویش محرره ۱۲ رجب ۱۲۷۰ هجری مطابق ۱۰ اپریل

نوشته بودند و نقل آن خط در آخر قسم سیوم مباحثه مرقوم است **دفعه ۸** پادری صاحب در خط نهم خود

نوشته بودند که گفتگوی اول قرار داده شد باین ترتیب خواهد بود که اول از انجیل که مقصود [illegible] مسیحی است

از نزول الهی بودن و تحریف آن کتاب بحث شود بعد ثبوت مذهب اسلام بنده معترض آن کتاب مقدس خواهند بود و باید

که [illegible] خویش از [illegible] وجه ثابت قدم مانند اول اینکه جواب این خط و خط اولین مولوی صاحب مباحثه در

علی نسخ و تحریف اقرار کرده بود و پادری صاحب در تصنیفات خود مثل میزان الحق وغیره غیر آن معنی استعمال

علی نسخ و تحریف چنانچه نقل بعض عبارات شان در دفعه دوم گذشته مگر وقت مباحثه خصم را [illegible]

[illegible] تخصیص [illegible] نسخ و تحریف [illegible] شدند و هر چند صاحبین [illegible] دو مرتبه گفتند که این تخصیص [illegible]

[illegible] گذشته دوم اینکه گفتگوی [illegible] مسئله [illegible] منظور [illegible]

[illegible] نسخ و تحریف [illegible] ثابت [illegible] بنده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دفعه ۹ [illegible]

[illegible] قاضی القضاة و جناب مولوی [illegible]

[illegible] شهادت [illegible]

مباحثه جانبین روبروی ایشان شده و در ضبط وی ضابطه راه افراط و تفریط نپیموده بلکه طریق نقل بالمعنی
وراست وار این شهادت خود را به خط و مهرهای خویش موکد مینماید و از خطوط متفرقه اکبرآباد هم که به جهت دو مین خاتم
اما الی این جلد اسم به همین نام واضح شده و زبانی بعض مردم شریک جلسه ثانی مذکوره که در آنجا آمده بودند محفوظ معلوم
و خطوط پادری صاحب به خط شان که قبل از دو جلسه مذکوره و بعد آن به نام مولوی صاحب تحریر فرموده بودند و مسوده
خطوط مولوی صاحب که به پادری صاحب نگاشته بودند از مولوی صاحب طلب ساخته شده به چشم خود دیده لهذا المحاط

دفعه ۱

این امور را به تحریر که قبل از مباحثه رسیده سخن گفته آمده مینماید لهذا در دفعات آینده حال آن مرقوم میشود
از ملاحظه حال مباحثه نسخ صاف هویدا گردید که پادری فندر صاحب در مسئله نسخ مصطلح اهل اسلام که تشریح معنی و محل آن
در قسم دوم مرقوم شد امر را تسلیم نموده بودند اول اینکه وقوع آن در کلام ربانی ممکن است دوم اینکه در احکام توریت
بالفعل هم واقع شده سیوم اینکه بالمعنی جناب مسیح هم بعض احکام فرموده خود را در عهد خود منسوخ فرموده چنانچه از بعض
پادری صاحب قول جناب مسیح که در درس ۵ باب ۱۶ از مرقس منقول شده ناسخ آن قول که در درس ۶ باب ۱۰ متی منقول است
دانسته اند از همین قسم است قول جناب مسیح پادری دختر که او را زنده کرده بودند تاکید آنکه در آیه چهل و سیوم
باب پنجم مرقس و آیه پنجاه و ششم باب هشتم لوقا مرقوم که این واقعه بهیچکس نگوئید و نیز قول آنجناب تاکید تمام بود بنا
در آیه سی ام باب نهم متی احتیاط نمایند تا هیچکس مطلع نگردد و همچنین در تشبیب جاجتی که کری آورده بودند و آنجناب
او را شفا بخشیده در آیه سی و ششم باب هفتم مرقس انظار اکید فرموده که هیچکس را مطلع نسازند و حال آنکه قول آنجناب
از دوازده که در آیه نوزدهم باب هشتم لوقا منقول است ناسخ این اقوال است و آن اینست ۳۹ برگرد بخانه خود و اعلام
ما خدا با تو نموده است بیان کن پس آن رفته و در تمامی شهر با آنچه یسوع با وی کرده منادی مینمود انتهی و از همین
قبیل است قول که در باب بیستم کتاب دوم سلاطین و باب سی و هشتم کتاب اشعیا مرقوم است ۱ و در آن ایام حزقیا را
بیماری عارض شده و اشعیا بن آموص نبی نزد وی آمده گفت که خداوند چنین میفرماید که خانه خود را انتظام بده
زیرا که میمیری و نخواهی زیست ۲ پس حزقیا روی خود را بطرف دیوار کرده نزد و سوی خداوند دعا کرده ۳
و گفت ای خداوند التماس آنکه یاد آوری که بحضور تو بصدق دل و خلوص نیت رفتار نموده ام و هر چه در نظر
تو پسندیده بود بعمل آورده ام پس حزقیا زار زار گریست ۴ و پیش از آنکه اشعیا بمیانه در رسد کلام خداوند

[illegible] دفعه ۵ [illegible] که خداوند [illegible] اجابت [illegible]

[illegible] سوم [illegible] سال [illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible] که خداوند [illegible]

[illegible] در فصل دوم باب اول [illegible]

دفعه ۱ در فصل دوم باب اول [illegible] نسخ [illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible] نسخ [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] تفسیر قرآن [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] تفسیر [illegible]

[illegible] الکتاب لا یجوز ان یکون ناسخا

[illegible] صاحب کتاب کله ادعیه علی ما قال [illegible]

[illegible] صاحب کتاب [illegible]

[illegible] الاصفیا فی تفسیره روی ان

الرسول التی بعد موسی کلهم علی شریعته الا شریعة عیسی [illegible]

[illegible] رسولان که بعد موسی بودند سوای عیسی همه بر شریعت موسی [illegible]

[illegible] دفعه ۱۲ [illegible] صاحب [illegible] نسخ [illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] نسخ [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

و الا می شان اقوال علما ام شد و دانستند که چون در عدالت های سرکار انگریزی هم نسخ متعارف است مثل
اکثر احکام عدالت اپیل زیر حکم بالای حکام ماتحت خود می نویسد که الحکم منسوخ است و پس انگریزی میگویند که در فلان قانون
چون این جمیع معلوم شد منسوخ شدن بعضی احکام کلام الله تمام و هم نسخ مصطلح اهل اسلام را هم بمعنی نسخ مصطلح عدالت انگریزیه
فهمیده دفع خیال شبهه زدند و فضول سخن کاری نخواهد کرد **دفعه ۱۳** تمسک پادری صاحب بحر سی ۳۳
باب ۲۴ لوقا محض بی ربط است زیرا که ذکر محمد و بر حافظ صاحب از تفسیر دوالی و برجود مشتمل نقل و تفسیر شده که زرتشت
و پادری صاحب جای اعتراض بالای خود سند ندانستند و با وجود آن همان حکم تکرار می کردند بعد اختتام جلسه
از تفسیر سخن شده که یکی از پادری صاحبان مشهور که نام شان کمرفن مناسب نیست از داکتر صاحب ملاقی شده
بود داکتر صاحب قول آن مفسر را پیش کرده فرمودند که از ایمان و انصاف فرمایید که ازین قول آن مفسر دعوی هم
ثابت میگردد یا دعوی پادری صاحب یعنی پادری شند صاحب بعد ملاحظه آن اقوال گفتند که فی الحقیقت پادری صاحب
در بحث غلط میکردند بعد ازان همان اقوال را بصاحبی از صاحبان عالیشان که ذی علم و ذی فهم اند نموده شد
صاحب موصوف آن اقوال را دیده و یک تفسیر از کتب خانه خود برآورده در روبرو ملاحظه کردند بعد ازان اعتراف فرمودند
که فی الحقیقت پادری صاحب سخن بیهوده میکردند و ایضاً حال زبانی بعضی ثقات که روبروی شان گفته شنیده
شد در بحث شنود دلیل قوی پادری صاحب اگر بود حق قول بودی الحمد لله که آنهم ضعیف است **دفعه ۱۴**
تمسک پادری صاحب بورس ۲ درس سوم باب اول نامه اول پطرس محض ضعیف برآمد بعد که لاچار شده و تسلیم
ضعیف نموده گفتند که قول پطرس محض بطور تقویت ذکر کرده بودم حالا آن نظر خیر منجلی شده که تمسک بورس
مذکور در باب عدم منسوخ شدن انجیل و محجلی تمسک بورس شتم باب چهلم اشعیا و درس هجدهم باب پنجم متی در باره
عدم منسوخ شدن توریت پادری صاحب هم باطل است از بهر آنکه الحق این درس ها واجب الاخراج اند **دفعه ۱۵**
آنچه پادری صاحب ارشاد کردند که ما در توریت نسخ واقع شده مگر کلام ما در توریت نیست در نجا منقول کلام
ما در توریت نیست باطل حکم است و این امر بالکل مخالف امر کتب است خطوط بقین قبل از گفتگو قرار یافته
بود لهذا بعضی آیات داکتر صاحب به تعرض نمودند و درین قول که در توریت نسخ واقع شده صادق بوده مگر
این اقرار از کمال انصاف پر زبان شان رفته و کر ضرور در تصنیفات خود شان هم که استخدام الطلاق نسخ انداخته

ت باشد خواه در انجیل و این دعوی بر اسلام باطل است از آنکه نسخ که اهل اسلام مدعی امکان و وقوع آن در کلام

الهی شده در نزاع شان با مسیحیان در آنست که در شریعت عیسوی در همه احکام توریت سوای احکام عشره که تشریح شان

در فصل بیستم خروج است راه یافته و از این احکام عشره هم حکم یوم السبت منسوخ شده و در انجیل شان و هم تفاسیر انجیل تصریح

به منسوخ بودن احکام توریت واقع شده مثل آنکه در باب ۱۲ از نامهٔ عبرانیین چنین است ... ۱۸۱۶ ... و اگر کهانت متبدل شود

ناچار تغییر شریعت متبدل میشود و در تفسیر دوالی در جزو دویست ذیل این درس منقول ... اگر ... چنین منقول است

... و طهارت ... همه آئین ها یعنی توریت ها متبدل گشته یعنی بالکل موقوف شده و مثل آنکه در ... درس

... ضعیف ... منسوخ شدن سوی احکام توریت ... واقع شده و ... در درس ...

گذشت مثل آنکه در ذیل ... باب هشتم نامهٔ عبرانیین که نقل آن در مباحثه گذشت و در تفسیر دوالی در جزو

... چنین منقول است ... که خدا ... اراده میدارد که عطای ... و ...

... منسوخ فرماید لهذا رسوم ... موقوف ... شوند و ... [illegible]

... در آغاز باب ... و در تفسیر دوالی در جزو دویست قول ... چنین منقول است که همه رسوم ...

... توریت ... منسوخ ... موقوف شده و مثل آنکه در درس ... باب دوم ... ۱۸۱۱

... [illegible] ... واجب ... نابود گردانیده

... [illegible] ... در باب دوم ... ۱۶ ...

... [illegible] ... اطفال اشیاء ...

... و در تفسیر دوالی در جزو دویست ذیل ... چنین منقول است ...

... [illegible] ... منسوخ گشته ... [illegible]

... منسوخ گشته ... [illegible] ... مقام ... [illegible]

... [illegible] ... موقوف شد و عیسائیان ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

[illegible] شان [illegible] مسیح در اقوال [illegible] شیخ از [illegible] صاحب [illegible] وقوف [illegible] اول
[illegible] بر خود و [illegible] شان [illegible] از [illegible] در مضمون [illegible] در سی ۲۱ [illegible]
را [illegible] احکام بعض [illegible] انجیل [illegible] مسیحیان [illegible] شیخ [illegible] شیخ خواهد بود [illegible]
[illegible] مسیحیان [illegible] احکام [illegible] باعث [illegible] منسوخ [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible] شیخ [illegible] از شیخ [illegible]
[illegible] مقبول است [illegible] در سی [illegible] مسیح [illegible]
[illegible] احکام بعض [illegible] شیخ [illegible] از [illegible] مقبول است [illegible]
[illegible] مسیحیان [illegible] شیخ [illegible] خدا [illegible]
[illegible] مسیحیان [illegible] فرقه [illegible]
[illegible] داخل [illegible] صاحب [illegible] فرقه [illegible] مسیحیان [illegible] ۱۵ [illegible]
[illegible] خروج کرده [illegible] ۱۶ [illegible] وجود [illegible]
[illegible] شیخ [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] آن فرقه [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] مسیح حرام کردانیده اند [illegible]
[illegible] باب [illegible] فرقه [illegible] صاحب [illegible] ۲۷ [illegible]
[illegible] جنگی [illegible]
[illegible] منسوخ نہیں ہے کیونکہ خدا کا [illegible]
[illegible] سیجا دی [illegible] باب [illegible]
[illegible] باب ۱۳ [illegible]
[illegible] اور [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] ۱۳ [illegible]

[illegible]

و در سی یا نزدهم از باب اول نامهٔ عبرانیان و در رسالهٔ چهارم باب چهارم نامهٔ طیمطاوس که بعضی از اوامر موسوی را [illegible]
عمل کرده اند دلیل قوی بر رای جمهور اند و آنچه که پادری صاحب در حل مقول این آیات اقوال را نقل نموده اند دعوی ایشان
را ثابت نمی کند بعد از قطع نظر پادری صاحب بعض ایشان چنان نزد دیگر مسیحیان در بعض احکام انجیل هم بعد مسیح
و عهد حواریین نسخ واقع شده هم در رسالهٔ چهارم باب چهارم نامهٔ طیمطاوس [illegible] ۱۸۴۹ [illegible]

دفعه ۱۷ خدا [illegible] صحیح چیزی قابل رد کردن نیست اگر بشکر گزاری آن تناول شود [illegible]

پادری صاحب در میزان الحق تحریر فرموده اند اینکه از قول نسخ در دو فقره مسلمان [illegible] مولوی صاحب
بر ان تعرض کرده فرموده که هر گز این دو فقره بر معنی مصطلح اهل اسلام لازم نمی آید بلکه بر عیسائیان و
یهودیان لازم می آید زیرا که مقدس [illegible] در درس ۵ از باب ۷ نامهٔ عبرانیان و درس ۱۳ از باب ۸ نامهٔ مذکور
احکام توریت را ضعیف و بی منفعت و منسوخ و توریت را عیب دار و کهنه و در معرض زوال مشعر یافته و پادری صاحب
را جز سکوت [illegible] گروندی که جز سکوت چاره نبود مگر حکایات این از انصاف

دفعه ۱۸ شان است که چون باز در بحث [illegible] واقف شد [illegible]

الجزء مولوی صاحب گفته بودند که این چند صفحات که جناب پادری در بارهٔ انتفاء نسخ تحریر فرموده اند اجنب الاجنبی
اند و اعتبار را از معنی نسخ مصطلح اهل اسلام مناسبتی [illegible] است و فی الحقیقت بعد تحقیق معنی نسخ مصطلح
اهل اسلام از توریت صحیح که در نسخه اردو مطبوعه ۱۸۳۹ [illegible] صفحه که در نسخه فارسیه مطبوعه ۱۸۴۹ [illegible] نموده اند

بالکل لغو اند دفعه ۱۹ الجزء پادری صاحب فرموده اند که از توریت چنان احکام منسوخ شده
از شانهای مسیح بوده و شبیه آنهائی که در حق مسیح بوده منسوخ شده اند [illegible] و بعض چنان احکام است
اگر اهل اسلام [illegible] منسوخ [illegible] که در اوامر و نواهی می آید [illegible]
در سابق [illegible] قوم است [illegible] احکام توریت الخ [illegible] این شبه [illegible]
شانهای مسیح باشند مثل احکام عبادات [illegible] یهود و احکام حرمت بعض جانوران مثل خوک وغیره [illegible]
جواز طلاق وغیره [illegible] صاحب [illegible] در میزان الحق [illegible] احکام
[illegible] تقسیم [illegible] عبادت یهود [illegible] قرار داده [illegible]

بیان کرده اند از طایفه مذکوره با مضوابان این احکام از طایفه مسطور که مستان علادات غیب این اشاره جو

و قطع نظر ازین چون این تورات سوی جلی در بیان همه احکام تصریحی نبود که با عدم تسیخ این احکام موقوف خواهند شد

تا در رسیده احکام مصرح بوده که الی الابد لازم اند و باوجود آن مع این نسخ منسوخ شده اند

جلو در رسیده احکام صحیح بود که الی الابد و بالخصوص بعد نصب الرجعات اند و باوجود آن مع این نسخ

مسلم و فرستنده چنانچه پس ازان نسخ مصطفی اهل الاسلام یقینا ادر انها تحقق شده ادعائی مادر بیان استحاله نسخ را اهل اسلام

دفعه

اگر و اگر صاحب فرید بودند که اگر تسلیم کنیم که از عدم نسخ احکام تورات

او نشد با مکمل با جل ان اند و بیان بعض وجوه عدم صحت آن

مکمل شده الیاس در قول شان اگر تسلیم کنیم اشاره است که اول آن قول صحیح نیست

وقوع نیز هم انگشته و اگر از عدم صحت او و قطع نظر کنیم در آن تصور در احکامیکه قبل از نسخ موقوف شده اند چه

خواهد گفت

دفعه

استفسار با در تخصیصات بعد بعضی از احکام قبل از نسخ منسوخ شده اند

قال عجب آیا ما هم دور با این محوی بخیر ازین قدر از خانه خود غفلت است لکن این امر از تجاهل باشد یا

جنس این بود که چون شب در وز و در عیب جوئی مذاهب دیگر می باشند فراغت کم می یابند که عیب جائی خود در التفحص نمایند

دفعه

اگر صاحب فرموده شد مثلا حکم ذبح الیاس در قول سابق

از این امر دور از انصاف است

مشتمل اشاره است که در اکثر احکام الهیه قبل نسخ آن نسخ واقع شده و منحصر در حکم مذکور نیست و شواهد آن

بسیار است آن را بطور تمثیل چند از خروار بسلک تحریر می آرم در باب اول کتاب پیدایش مرقوم است خطاب

خدا سبحانه با آدم و حوا علیهما السلام موافق آیه ۳۰ همه حیوانات زمین و همه پرندگان هوا و همه حشرات الارض که در آنها

نفس حیوانی است هر قسم سبزه نو برای طعام داده ام و در باب نهم همان کتاب خطاب حضرت جل و علا به حضرت نوح

و فرزندان او مرقوم است همه جنبندگان که زنده اند برای طعام از آن شما باشند چنانچه سبزه نو همه را بشما دادم

اما گوشت با نفس او که خون او باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس شناختن ... از جمله انبیا ... [illegible] ... خوردن انبیا جایز است [illegible] ... اما ... [illegible]

[illegible] ... برای ... ناپاک است انتهی ... بدید که از ... [illegible] ... علما ... [illegible]

[illegible] و تفصیل [illegible] ... و در انجیل ... انبیای حضرت ... [illegible]

[illegible] ... باید داد که ... [illegible] ... در ... [illegible]

[illegible] ... و یقین دارم از ... خداوند که هیچ چیز از خود ناپاک نیست ... [illegible]

[illegible] ... هیچ چیز ناپاک نیست انتهی ... [illegible] ... ابراهیم ... [illegible]

[illegible] ... باب ... [illegible]

[illegible] ... علمای ... [illegible] ... در تورات ... [illegible]

[illegible] ... حضرت ابراهیم ... [illegible] ... زوجه خود ... [illegible]

[illegible] ... خواهر خود ... در آیه دوازدهم باب بیستم ... [illegible] ... الحقیقت

[illegible] ... نکاح حضرت

ابراهیم با خواهر ... [illegible] ... ۱۸ ۱۹ ... [illegible]

[illegible] ... خواهر ... [illegible] ... دختر ... [illegible]

[illegible] ... باب ... [illegible] ... خواهر ... [illegible]

[illegible] ... خدای تعالی ... [illegible]

[illegible] ... قول خدای تعالی ... [illegible]

[illegible] ... ۳۰ ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

در باب دوم کتاب ... مرقوم است ... ۱۳۰۱ ... و دوم ... کتاب ...

دفعه ۲۳ آنکه اکثر صاحب ... بودند که این اختلاف کلام در احکام

... مقرر شده بود

... زیاده از مقصود مسلم نزد ما در نصاریست و از آنکه ما در نصاری احکام نسخ مصطلح اهل اسلام

... در احکام توریت و در احکام انجیل نیز در عهد مسیح باتفاق عیسائیان ... مسیح ...

... تحریف نموده و ... تسلیم کردند کلام در تحریف ...

دفعه ۲۴ از حافظه ... تحریف ... شود که ما در نصاری ... نموده اند اول ...

... بر ... آنکه ... تحریف ... نموده و از ... و ... مسلم ...

... تسلیم ... که ... دوم آنکه ... جمهور ... علمای ...

... تحریف ... داده اند ... در تاریخ ... الحاصل ...

... تحریف ... سوم آنکه ... تحریف ... نمودند ... این کتب

در آن وقت موجود بودند ... هر حرف و هر لفظ حاصل ... ما در نصاری ...

... مقدار ... چهارم آنکه ... در انجیل ...

آن تحریف ... از اختلاف عبارات تسلیم کردند پنجم آنکه ... حافظ ...

... اختلاف عبارات نزد ... مسلم است ... دو عبارت مختلف اند ...

... این کلام ... ما در نصاری ... ششم آنکه در ...

... در زمانه سلف ... منقول ...

... هفتم آنکه ما در نصاری ... اختلاف عبارات ...

... نموده ... ساختند که ... و ... الفاظ در انجیل ...

... ۲۴ ... هشتم آنکه ما در نصاری ... اند ... اول ...

... ما در نصاری در جلد دوم ... تحریف ...

گوئند بسهو کاتب تعبیر نمودند زیرا که چون این همه امور را که عبارت حاشیه را گرفته داخل متن کردند
یا از طرف خود اینها افزوده یا آیت ها را انداخته یا بطور تفسیر جزئی الحاق کرده یا لفظی را
از لفظی بدل ساخته داخل سهو کاتب دانسته و این افزودن آیات و انداختن آنها
و همچنین الحاق تفسیری و تبدیل بعض الفاظ را بعض علما گفتند که سهواً باشد
یا عمداً آیا از روی غلطی و نادانی پس این تعبیر هرگز مخالف اهل اسلام نشد بلکه مجرد
مغایرت در اسم ماند که اهل اسلام این را تحریف میگویند و پادریصاحب سهو کاتب
می نامند پس بعد ملاحظه این امور هشتگانه بر ناظر خبیر باقرار هر دو پادریان صدق
و حقیقت دعوی مسلمانان مثل آفتاب تابان ظاهر و هویدا شد و در فصل سوم باب
اول میزان الحق که در ان محض از راه تعصب دعوی استحاله تحریف است لغو و باطل گشت
یک جمله اش قابل التفات نماند الحال منصف لبیب تأمل فرماید که وقتیکه درین دو مسئله
نسخ و تحریف که درینها پادریصاحبان عموماً و پادری فنڈر صاحب خصوصاً بکمال زور دعوی
استحاله آن نموده بودند و از جمیع مسایل همین دو را مشکل فکر میکردند الزام شدند و مسلمانان می فهمیدند حال چنین باشد
در دیگر مسایل چه قیاس توان کرد و حق اینست که دیگر مسایل او قابل التفات هم نیستند و چون همه میزان
الحق از همین قسم دعاوی باطله مملو است بلاشبهه آنرا بفحوای ۹ بر عکس نهند نام زنگی کافور
مسمی بقید خود تصور توان کرد دفعه ۲۵ آنچه پادریصاحب فرمودند که حضرت یکجا
سهو کرده از ذات شان بعید است زیرا که او گاهی بیک مجلس دیگر جائی و دید حضرت
یک کس نماند و تنها همچنین دعای حضرت سهواً اندرین موضع مستبعد از عقل بنظر می آید اگر قصه
بوده باشد و لیکن درین صورت بلاشبهه این مقتدای مسیحیان محرفین می برآید دفعه ۲۶ آنچه پادریصاحب فرمودند
که علمای اسلام شهادت کتب عهد عتیق داده و شهادت مسیح از شهادت دیگران فائق است تعجب است
از شما که چون علمای اسلام مجموعه انجیل موجوده را منسوب به مسیح نمیکنند پس هرگز و تمسک کدامی خبر آحاد نمیکنند و لا عدم
ثبوت مجموعه ثابت گردد صحت دوم آنکه از شهادت مسیح هرگز تصدیق هر جلد هر فقرات نمی گردد چنانچه ملی
الکتاب مرا در حل اشکال از کتب اسناد و شهادت قرآن بیان نموده و اگر صاحب کاغذی پادری صاحب
فرموده بودند حق هم همین است که در صورت صحت و تسلیم شهادت مسیح و شهادت

[illegible]

[illegible]

[illegible] از اشعیا [illegible]

این کتب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۸۶ ۲۸۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۳ [illegible] ۲۲ [illegible]

دفعهٔ ۲۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قبض خارج بود [illegible] اجتماع [illegible] نقی الخد بود [illegible] از روی [illegible]
[illegible] قبض داخل [illegible] قسمت [illegible] نصرة [illegible] قبض داخل [illegible] اول
[illegible] از قسمت دوم عتبه خارج [illegible] قسمت دوم از [illegible] جماعت [illegible]
[illegible] از قسمت [illegible] شود از قسمت سوم عتبه خارج [illegible] قسمت سوم [illegible]
[illegible] حمره [illegible] اجتماع [illegible] دوازده [illegible]
[illegible] نقی الخد [illegible] بود [illegible] در خانه [illegible] هشتم [illegible]
[illegible] بیاض [illegible] حمره [illegible] نقی الخد [illegible]
[illegible] خانه [illegible] دوم [illegible] نقی الخد [illegible]
[illegible] لحیان [illegible] شکل دیگر [illegible] سطر [illegible] اجتماع [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] قبض الخارج [illegible] جماعت [illegible] حمره [illegible]
[illegible] نصرة [illegible] شکل [illegible] اجتماع [illegible] نقی الخد [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] اول [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] دوم [illegible] کتاب [illegible] سلاطین [illegible] چهارم
[illegible] کتاب [illegible] اخبار الایام [illegible] خانه [illegible]
[illegible] انتقال [illegible] نقی الخد [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] اخبار الایام [illegible] اجتماع [illegible]
[illegible] نقی الخد [illegible] خانه [illegible]
[illegible] پنجم [illegible] خانه [illegible]
[illegible] ششم [illegible]
[illegible] طریق [illegible]

و در خلاف عهد عتیق و انجیل می شود این نخشون نام نخشون است که
این غلطی موافق فرح بخش که پسر نخشون آمده است و در خلاف عهد عتیق و انجیل می شود که این نخشون نام نخشون است
موسی سردار فرقه یهودا بود و ذکرش در عرش باب اول کتاب شماره و در سیزدهم باب سیوم کتاب اول اخبار
آمده است که در عهد یوشع جاسوسان بنی اسرائیل را در خانه خود پنهان کرده بود
آمده و اغلب که این راحاب همان زن فاحشه است و تمام احوال او مفصل در باب دوم و ششم کتاب یوشع مرقوم است
در نکاح نخشون آمده و در وجود حضرت مسیح داخل گشت و زیرا که حساب قریب هزار و چهارصد و پنجاه سال و زمان داود
کمتر از پنجاه سال قبل از ولادت مسیح بود پس لازم می آید که در عرصه چهارصد سال فقط چهار طبقه گذشته باشند علاوه
ازین هم جای در عهد عتیق بنظر نیامده که نکاح راحاب از نخشون شده باشد و منافات اینجا کلامی است که در باره ربیع
سه حال باشد و مولوی صاحب از پادری کلی صاحب و فرنچ صاحب بظهور آمده بود و پادریان صاحبان مغلوب شده بودند
در طلب آن مباحثه تمام تشریف برده بودند و بعض ازین غلطی ها بر پادری فرنچ صاحب ظاهر کرده مستدعی جواب شده بود
و چون از پادری فنڈر صاحب جواب شافی حاصل نشد داکتر صاحب فرمودند که وقتی که از متی در نسب نامه اینقدر غلطی ها
سرزد شده دیده باید که در تمام انجیل چقدر سرزد شده باشد شاید که جناب متی عهد عتیق را نخوانده بودند که در
یک نسب نامه مصدر اینقدر غلطیها شدند پادری فرنچ صاحب فرمودند که جایز است که متی نسب نامه را با الهام ننوشته
باشند داکتر صاحب فرمودند که اگر این را از الهام ننوشته پس کدام دلیل است که دیگر حالات را با الهام
نوشته باشند جایز است که بعضی دیگر حالات را هم بغیر الهام نوشته باشند پادری صاحب فرمودند که الهام معجزه
است و ظهور معجزه بلا ضرورت نمیباشد و چون نسب نامه از مردم دیگر هم معلوم شدن میتواند در آن حاجت الهام
نبود داکتر صاحب فرمودند که وقتیکه در هیچ حال که دیده متی نبود حاجت الهام نشد در حالت دیده خود بطریق اولی حاجت
الهام نیست بران پادری صاحب متوجه بسوی مولوی صاحب شده گفتند که شما انصاف نمی نمایید که در نسب نامه حاجت الهام
مولوی صاحب فرمودند که شاید بهمین سبب لوقا هم مثل متی غلطی نموده که در بیان نسب نامه قینان را از جانب خود در بیان
شالح و ارفخشد افزود بران پادری صاحب پیچ و تاب خوردند چنانچه این حال در رساله گفتگو که سابق ازین در دهلی اندرون
نور المطابع و در اکبرآباد در مطبع سفیر مطبوع شده مرقوم است و اینهم راست است که جاییکه متی در شروع کتاب که مصنفین
را تمام در آن میباشد اینقدر غلطیها نموده اند خدا داند که در تمام کتاب چقدر کرده باشند و چون اکثر غلطیهای
مذکوره طرح بسته عرب یا ... اصلاح آنها چه سازند چنانچه مشهور است لن یصلح العطار ما افسد الدهر
و غلطی قینان در کلام لوقا نیز بحاله غلطیهای مشهوره است و اعتراض ... حضرت ...

[illegible] رضا [illegible] در نسخهٔ عربی تورات [illegible] اوّل اخبار الایام [illegible] و نشان
[illegible] باشد [illegible] از انبیاء [illegible] تحریف [illegible]
[illegible] تورات [illegible] اوّل اخبار الایام صحیح [illegible] در [illegible] اغلاط
[illegible] کتاب [illegible] انبیا [illegible] در [illegible] تحریف [illegible]
[illegible] وقوع تحریف در [illegible] این تسلیم [illegible] محققین [illegible] وقوع تحریف [illegible]
در [illegible] ده ورق [illegible] حکم قطعی بوقوع تحریف [illegible]
در [illegible] وقوع تحریف در آنها [illegible] تحریف [illegible]
[illegible] عبارت [illegible] محرف [illegible] تحریف [illegible] شهادت
[illegible] تحریف [illegible] شده [illegible] در [illegible] واضح [illegible] در [illegible]

[illegible] شهادت [illegible] تحریف [illegible]
[illegible] برای اثبات عقیده [illegible] ده [illegible] لفظ [illegible] در رسالهٔ
[illegible] که برای اثبات [illegible] کتاب [illegible] اگر [illegible] حقیقت
[illegible] با وجود اعتراف [illegible] تحریف [illegible]
[illegible] نیست [illegible] ضعف [illegible] قوی [illegible]
[illegible] علی [illegible] الاشهاد اقرار [illegible] تحریف [illegible] تبدیل شده [illegible]
[illegible] ضعف [illegible] تحریف [illegible]
[illegible] کتب [illegible] استیلاء تحریف [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] فصل سیم [illegible]
[illegible] تحریف [illegible]
[illegible] مخالف [illegible] عبارت [illegible]
[illegible] عبارت [illegible] نسخه [illegible]

دفعه ۳۳ [illegible]

[illegible]

دفعه ۳۴ [illegible]

[illegible]

دفعه ۳۵ [illegible]

[illegible]

دفعه ۳۶ [illegible]

[illegible] قوله لنا اعمالنا ولکم اعمالکم لا حجة بیننا و بینکم [illegible]

[illegible]

ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا [illegible]

[illegible]

ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة [illegible]

[illegible]

[illegible]

الا الذين ظلموا منهم بالالفاظ والاعمال والايادي [illegible]

[illegible] الولد وقولهم يد الله مغلولة او بنكث العهد ومنع الجزية [illegible]

[illegible] وقولوا آمنا بالذي انزل

الينا الآية [illegible]

[illegible]

[illegible] ولا تقولوا لمن [illegible]

[illegible]

ولا تقولوا ثلثة [illegible]

اتخذوني وامي الهين من دون الله [illegible] دفعه ٣٦ [illegible]

[illegible] دفعه ٣٦ [illegible]

[illegible] دفعه ٣٦ [illegible]

بر حضرت مسیح نازل شده و از این مشکل تر آن که این همه مجموعه است و در آن هیچ جای تغییر نگشته و کلام حواریان
نزد ما انجیل همین تعلیم انجیل نزد ما هم معتبر است که قول مسیح موافق الهام بود الحاصل اینهم تعلیم توریت است و انجیل
آن است که ... در تعلیم ... در آیات قرآنی هم بظاهر بعضی از حوالی آن وارد شده و در اینجا چند مواضع از قرآن مجید
ترجمه اینها بفارسی نقل مینمایم تا بر ناظرین فارسی خوان آسان باشد و در تحقیق ... در بعض جا عبارت دیگر تفاسیر هم نقل
خواهم نمود در رکوع شانزدهم سوره بقر ... میفرماید وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ و ایمان آوردیم بآنچه
داده شد موسی و عیسی را یعنی توریت و انجیل و بر کلام نبوت در بیضاوی وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ
و باز در رکوع پنجم آل عمران میفرماید وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ و بیاموزد خدای تعالی عیسی را کتابها فرستاده پیش از وی چون صحف
ابراهیم و زبور وَالْحِكْمَةَ و علم حلال و حرام که علم شریعت است وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ و تعلیم دهد او را توریت و
انجیل انتهی و باز در رکوع نهم آل عمران میفرماید وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ و آنچه داده اند موسی را که توریت است و عیسی
را عیسی که انجیل است انتهی پس از این هر سه قول او تعالی و تفسیر معلوم میشود که انجیل عبارت از همان کلام نبوت است که
بعیسی داده شده چنانکه توریت عبارت از همان کلام نبوت است که بموسی عطا گشته و باز در رکوع پانزدهم سوره مائده میفرماید
وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ و یاد کن ای عیسی بن مریم چون آموختم ترا کتاب یعنی نبشتن و خط وَالْحِكْمَةَ و فهم و خرد وَالتَّوْرَاةَ
وَالْإِنْجِيلَ و معانی و حقایق توریت و انجیل انتهی در اینجا هم انجیل عبارت از معانیست که او تعالی بعیسی
تعلیم کرده بود و باز در رکوع دوم سوره مریم قول حضرت عیسی چنین منقول است آتَانِيَ الْكِتَابَ
داده است مرا کتاب یعنی حکم کرده در ازل که انجیل بمن دهد و در بیضاوی است آتَانِيَ الْكِتَابَ الْإِنْجِيلَ
در اینجا انجیل عبارت از همان است که حضرت عیسی او را میفرماید که خدا مرا داده است و در شروح کتب
احادیث این امر بخوبی مصرح است همچنان در شرح ... انجیل عبارت از همان کلام ربانی است که بر عیسی نازل
شده بود و تحقیق این امر ان شاء الله از فتوی علمای ... که در آخر این ... نقل نمایم بخوبی واضح خواهد شد
ذو قعده ... بار ... اراده خود ... که ... بعضی کتب ... استفسار آن
[illegible] ... دفعه ... [illegible]

[illegible] ... انجیل ... [illegible]

در نسبت اول انجیل تحقیق است غالب این غلط را در صاحب میزان الحق فرموده اند که غلط خوانده بود و شاید
غلطی در نقش ... باب اول انجیل نیز در اول این غلط ۱۴ باشد یا در اول ... ۳۴ ... ۳۱ ... باب اول ... غلط معلوم میشود
پس بر عیسائیان لازم است که تفصیل اینهمه مواضع به بسط تمام نمایند و ظاهر سازند که در فلان موضع فلان جزو افلان لفظ
چنین واقع شده ... آنهمه مواضع را بر غلطی صریح حمل ... **دفعه ۹** ... صاحب فرموده اند که
بعض اختلاف از طرف عیسائیان هم بوقوع آمده ... چنانچه اهل ... تحریف ... حضرات
... شیخ ... از مستحبات ... فرموده ... تاریخ خود
در بیان حال علمای ... که ... افلاطون و فیثاغورس ... برای ترقی راستی ... دروغ
... جایز ... قبل مسیح بوده اند ... چنانچه ...
از خوشحالی ... این امر ... غلطی ... عیسائیان ... چنانچه این امر
از بسیار کتب ... بزرگان ... صاحب ... حصه دوم باب ... تاریخ کلیسیای
... مسیح ... کتاب ... نام ...
... کلیسیای ... بیاید ...
... صاحب ... جلد دوم ... قصد ...
... مشهور بوده ... داده ... خود ...
... کتاب ... مسیحیان
... برای ترقی ... از مستحبات ... عیسائیان ...
... برای ترقی ... کرده باشند ... حق ...
... کلیسیای ... احکام ... جلد ...
... عیسائیان ... تحریف ... مسلمانان ...
... ظهور آمده ...
... مشهور ... مسیحیان ...

اثبات برای ترقی دین عیسوی مردمان جعل شده اند باید شنید ... تعالی معلوم ... [illegible]

منسوب بسوی عیسی علیه السلام ٧٤ عدد — منسوب بسوی مریم علیها السلام ٨ عدد

١ نامه بنام ابجرس بادشاه اذیسه — ٢ نامه بنام پطرس و پولوس — ١ نامه بنام اکنه شمس — ٢ نامه بنام مسیح سلیمان

٣ کتاب تمثیلات و وعظ — ٤ کتاب احوال ایمان و ... دیم ... تعلیم ... — ٥ کتاب سقط الراس مریم — ٦ کتاب ... مریم و دایه او

٥ کتاب معجزه بازی و سحر — ٦ کتاب سقط الراس مسیح و مریم و دایه ام — ٧ نامه ... مریم ... — ٨ کتاب معجزات مسیح

٧ نامه که در صعود ... بنام ... از آسمان افتاده — کتاب ... الاتیج ... سلیمان — کتاب انیل ... ٨ ...

منسوب بسوی یوحنا ١٠ عدد — منسوب بسوی پطرس ١٤ عدد

١ اعمال یوحنا — ٢ انجیل دوم یوحنا — ٣ حدیث یوحنا — ٤ کتاب جانه بدری — ١ انجیل پطرس — ٢ اعمال پطرس — ٣ ... پطرس — ٤ ... پطرس

٥ نامه بنام ... — ٦ وفات نامه مریم — ٧ ... در ... — ٨ ... یوسف — ٥ نامه بنام اکمنس — ٦ ... پطرس و آپین — ٧ تعلیم پطرس — ٨ وعظ پطرس

٩ اداب نماز یوحنا — ٩ اداب نماز پطرس — ١٠ کتاب جانه بدری پطرس — ١١ کتاب قیاس پطرس

منسوب بسوی اندریاه حواری ٢ عدد — منسوب بسوی فیلب حواری ٢ عدد — منسوب بسوی توما حواری ٥ عدد

١ انجیل اندریاه — ٢ اعمال اندریاه — ١ انجیل فیلب — ٢ اعمال فیلب — ١ انجیل توما — ٢ اعمال توما — ٣ انجیل الطفولیت مسیح — ٤ ... — ٥ ...

منسوب بسوی برتولما حواری ١ عدد — منسوب بسوی متیاه ٣ عدد که بعد از مسیح داخل حواریین شده — منسوب بسوی یعقوب حواری ٣ عدد

١ انجیل برتولما — ١ انجیل متیاه — ٢ حدیث متیاه — ٣ اعمال متیاه — ١ انجیل یعقوب — ٢ اداب نماز یعقوب — ٣ وفات نامه مریم

منسوب بسوی مرقس انجیلی ٣ عدد — منسوب بسوی پولوس ١٤ عدد

١ انجیل مصریان — ٢ اداب نماز مرقس — ٣ کتاب جانه بدری برنبا — ١ اعمال پولوس — ٢ اعمال سکلا — ٣ نامه بنام لاودیسیان — ٤ نامه سیوم بنام ...

منسوب بسوی برنبا ٢ عدد — ٥ نامه بنام قرنتیان — ٦ نامه بنام ... — ٧ نامه بنام سنیکا — ٨ ...

١ انجیل برنبا — ٢ نامه برنبا — ٩ ... — ١٠ ... — ١١ ... پولوس — ١٢ انجیل پولوس

منسوب بسوی تهی دیوس ١ عدد انجیل تهی دیوس — ١٣ وعظ پولوس — ١٤ کتاب ... — ... پطرس و پولوس

منسوب بسوی متی ٢ عدد

١ انجیل طفولیت — ٢ اداب نماز متی

دفع ۱۲ از قواعد مقرره علمای عیسائیان مسیحیین که بر طبق انهاست مقدمه [illegible]

نموده اند یا در بعضی صاحب دو قاعده را که نزد خود معتبر میدانستند ذکر کرده اند اول آنکه در صورت
اختلاف اگر عبارتی مشکل و در دیگری فصیح بود مشکل را اختیار میکردند دوم آنکه در صورت مذکوره اگر یکی
موافق قاعده و در دیگری مخالف قاعده میبود مخالف قاعده را اختیار می نمودند الحال کسی که درین دو قاعده
تامل کند و دیگر قواعد که یاد در بعضی صاحب از ذکر آنها سکوت ورزیدند بر حمل دو قیاس باید نمود و شاید
این علما از این کرد واقف بوده اند که اکثر عبارات انها غیر فصیح و خلاف قاعده اند از آنجا این دو قاعده مقرر
کرده باشند و بعجب اقرار علمای این فرقه کلام روح القدس از فصاحت و بلاغت دور و از توافق قواعد نحویه و غیر در بسا
جا در مؤنث و مفرد و تثنیه و جمع و مرفوع و منصوب و مجرور عاری می یافت بشنو این عبارات [illegible]
علما در رقم کلام روح القدس جمع آن بجمیع عبرانی و یونانی بعد ترجمه آن بلاطینی و عربی و غیرها شایع شده
علمای رومان [illegible] در سنه ۱۶۲۵ [illegible] جمع شده و در ترجمه های سابقه اصلاح داده ترجمه
عربی [illegible] و اکثر این معنی کردند

و در این مقدمه می نویسند ثم انك في هذا السفر تجد شيئاً من الكلام غير موافق
لقوانين اللغة ومضاداً لها كالجنس المذكر بدل المؤنث وفي العدد المفرد بدل
الجمع والجمع بدل المثنى والرفع مكان الجر والنصب في الاسم والجزم في الفعل
وزيادة الحروف وعوض الحركات وما يشابه ذلك فكان سبب الهفوة كلمة [illegible] كلام
المسيحيين فصار لهم نوع تلك اللغة مخصوصاً ولكن ليس في الكتاب العربي فقط
بل في اللاطيني واليوناني والعبراني تغافل الانبياء والرسل والآباء الاولون عن قياس
الكلام لانه لم يرد روح القدس ان يقيد اتساع الكلمة الالهية بالحدود التي
تحيط بها القرائض النحوية فقدم لنا الاسرار السماوية بغير فصاحة وبلاغة

[illegible] روح القدس [illegible] عاری از فصاحت [illegible] قواعد نحویه [illegible] مؤنث و مفرد [illegible]
[illegible]

[illegible] روح القدس [illegible] باشد و در روح القدس [illegible]

جمیع عبارت معنی مفردات لغت [illegible] انسان امتیاز انسان از [illegible]

ازین جا به بندی قواعد [illegible] علیحده آن کلام [illegible] که در کلام انسان [illegible]

[illegible] تصحیح شده [illegible] مسیحیان هم [illegible]

[illegible] قیاس [illegible] علوم مسیحیان [illegible] قواعد

فصل ۳۳ [illegible] باور [illegible] صاحب [illegible]

کلام روح القدس [illegible] انسان ضعیف البنیان [illegible]

[illegible] شیوه خلاف [illegible] مناظره اختیار کردن [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] باور صاحب [illegible] لهذا [illegible]

[illegible] مناظره [illegible] اگر چه [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] این [illegible] ارقام فرموده اند هر چند که این [illegible]

جواز [illegible] جمیع [illegible] شد که جناب [illegible] چال [illegible]

فصل ۳۴ [illegible] باور صاحب [illegible]

زیاده ازین [illegible] باور صاحب [illegible]

[illegible] باور صاحب از علوم اهل اسلام [illegible]

و در فنون [illegible] عبارت [illegible] خوانده [illegible]

برین قدر [illegible] باور صاحب [illegible]

[illegible] عبارت ایشان [illegible] امتیاز [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] باور صاحب [illegible] علوم اسلامی [illegible]

[illegible] باور صاحب [illegible] علوم اسلامی [illegible] ذکر کرده اند سبحان الله [illegible]

[illegible] باور صاحب [illegible] تصنیفات خویش [illegible]

[illegible] ترجمه قرآن [illegible] کرده اند [illegible]

[illegible] باور صاحب [illegible] اصلاح هم خواهد بود [illegible]

[illegible] اصلاح داشت و در هر کلام [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] کلام [illegible] بسیار [illegible] جناب [illegible]

[illegible] اصلاح [illegible] چند جا اصلاح [illegible]

[illegible] خود [illegible] اصلاح [illegible] اول در رکوع [illegible]

[illegible] قول سبحانه تعالی وعصى آدم ربه فغوى یعنی خلاف کرد آدم امر پروردگار خود را [illegible]

[illegible] مانند [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] کرده عصی [illegible] خیال کرده [illegible] برای آدم [illegible] لفظ [illegible]

[illegible] لفظ موسی [illegible] وعصى موسى ربه فغوى دوم

[illegible] در رکوع [illegible] سوره اعراف در قول او تعالی وخر موسى صعقا [illegible]

[illegible] لفظ [illegible] ماضی [illegible] لفظ [illegible]

[illegible] برای عیسی [illegible] برای موسی لفظ موسی را بعیسی [illegible] عیسی

[illegible] اصلاح [illegible] بخاری [illegible] قرآن [illegible] غلطی

[illegible] دفعاً [illegible]

[illegible] غلطی [illegible] حاشیه [illegible]

[illegible] لفظی را [illegible]

[illegible]

[illegible] اصطلاح [illegible]

[illegible] غلط [illegible]

[illegible] فی الاصطلاح [illegible] اصطلاح خود [illegible] کلام ربانی [illegible]

[illegible]

[illegible] غلطی [illegible]

[illegible]

[illegible]

ایشان مسلم شده دانی تحریف را در ثبت شده آورده‌اند و بعضی آورده‌اند و آیت عشره تحریف کرده در انجیل یافته
ضمیمه می‌شود و تحریف کرده باشند علمای مسیحیان معلوم نمی‌شود که وقتیکه حضرت مسیح بود در تحریف خود و غیره آن کرده‌اند و از خصایل
نسبت میشو ... اول در عصر ... تاریخ و شش ثبت عیره این تحریف را کرده باشند لهذا مولوی صاحب و غیره
[illegible] نقض کرده‌اند فقط ۳۷
مولوی رحمت الله صاحب ... در صدر بورت و علیه و ... بر ما در پیصاحب تحریف نقض کرده‌اند
الحمد پادری صاحب در جلسه ... بود ... تحریف ثبت شده و او در جمیل ... کامل ثبت علم تحریف متن بوده
و بعد از آن مولوی صاحب جواب میشوند میگفتند که این نسخه قدیم ... که در متن مخالف این نسخه موجود
و بعد پادری صاحب در خط محرره ... امر ... محض خلاف انصاف است لهذا مولوی صاحب در این جلسه باطل
اول بار ... در خط خود محرره ... در خط محرره ... رجب ... فقط ۳۸ اولا پادری
صاحب ... کاتب ... در تصحیح نسخه کرده‌اند و ... صاحب معترف به غلطی خود شده فرموده‌اند

شاید در عبری باشد در یونانی خواهد بود و یا کنش میگویم لفظ شاید در اینجا بالکل بیهوده است زیرا که
عیسائی الذهب ... غالب ... در نسخه عبری که الحال صحیح ... آن ...
در نسخه ... تغییر ... پادری صاحب در ... معترف اند چنانچه از اظهار ...
پادری صاحب ... ناظرانه ... فرموده‌اند ... ناظر ... نقل میکنیم
اول آنکه در ... باب ... کتاب ... فارسیه ... در زمین ... سلطنت بوده‌اند قبل
از آنکه ... بنی اسرائیل سلطنت ... ایشان بوده‌اند دوم آنکه در ... باب ... کتاب ... استثنا ... فارسیه
مذکوره ... اسم ... سر کردکان ... بمعنی ... ایشان ... تا باشیم
... تا امروز ... این ... از تصنیف ... آنکه در ... دیده ... مصنف
تمام سلطنت ... اسرائیل گذشته ... دوم ... تصنیف ... سکونت ... شدن بنی اسرائیل
... بوده ... موسی شده ... صاحب در جلد اول الحاقی بودن این ...
اعتراف نموده ... تفسیر ... کتاب ... استثنا ... الحاقیت ... است
... باب ... کتاب استثنا ... تفسیر ... کلام موسی ... گذشته

[illegible] و این باب اگر کسی الحاق نموده و کسی نوشته باشد [illegible] یا کسی معتبر بوده از آن [illegible]

[illegible] در [illegible] آخر چند [illegible] شده باشد انتهی [illegible] و تغییر [illegible]

[illegible] الحاق و الحاق [illegible] که اگر کسی [illegible]

[illegible] میگویند [illegible] چهارم [illegible] درس ۱۲ باب [illegible] کتاب [illegible] فقط [illegible]

[illegible] در آن وقت کنعانیان در آن زمین ساکن بودند پنجم آنکه لفظ دان بجای [illegible] در درس [illegible] باب چهاردهم [illegible]

[illegible] ششم آنکه لفظ حبرون در درس [illegible] باب سیزدهم و درس [illegible] باب ۲۳ و درس ۲ باب ۳۵ و درس ۱۳ باب [illegible]

[illegible] فقط [illegible] چنانچه در تفسیر [illegible] اسکات [illegible] مذکوره و [illegible] لفظ دان و حبرون [illegible]

[illegible] هفتم آنکه در کتاب [illegible] الحاقی [illegible] تا امروز [illegible]

[illegible] سوم [illegible] تا امروز [illegible] در درس [illegible] باب [illegible]

[illegible] در درس [illegible] تا امروز [illegible] در درس ۲۸ و ۲۹ باب [illegible]

[illegible] هشتم آنکه پنج درس اخیره باب ۳۴ کتاب [illegible]

[illegible] ۲۹ تا آخر باب [illegible] منسوب میکنند و در تفسیر [illegible]

[illegible] اسکات [illegible] پنج درس اخیره [illegible] الحاق کرده باشد و [illegible] الحاق

[illegible] درس اول [illegible] الحاق [illegible]

[illegible] تفسیر [illegible] الحاقی بودن [illegible] درس [illegible] اول [illegible]

[illegible] درس [illegible] باب [illegible] کتاب [illegible] اول آنکه در درس [illegible] باب چهارم

[illegible] بودن ایشان [illegible]

[illegible] مفسرین [illegible] لفظ [illegible]

[illegible] ۱۲۵ [illegible] درس [illegible] باب [illegible] و دوم [illegible]

[illegible] چنانچه در تفسیر [illegible] اسکات [illegible] بیان

[illegible] سوم آنکه در درس [illegible] باب [illegible] مذکوره [illegible]

در جلد اول تفسیر ... واقع شده
بر زمین واقع شد و لکن چنین باید و لوقا ... واقع شده
لفظ در عبری اصل ... چهارم از درس ... باب چهلم اشعیا ... ترجمه فارسی ... جلال خداوند ... بر ...
... در تفسیر هنری و اسکات تصریح این معنی است
بشر جمیعا خواهند دید زیرا که دهان خداوند چنین فرموده است ... در تفسیر هنری
و درین درس بعد لفظ جمیعا این جمله الفاظ نجات خداوند را از نسخه های عبری افتاده اند و لوقا هم
در درس ششم باب سیوم این الفاظ نقل میکند عبارتش در ترجمه فارسی ۱۸۱۶ و خواهند دید جمیع بشر نجات خدا را
انتهی پس ... اول در جمله نسخه های عبری ... باید ... اند و حال آنکه جمیع علماء
... این را غلط ... اند و ... کردند و در ترجمه های خود ...
... انجا از ... در درس ... باب ... دوم کتاب دوم اخبار الایام چنین ...
... آخر ... آغاز سلطنت ... دو سال بود و حال آنکه این غلط است ...
و دو سال ... چنانچه در درس ۲۶ باب ۸ کتاب دوم سلاطین ... در جلد اول ... تفسیر هنری و اسکات اقرار
غلط ... است ... لفظ ... در درس ۲۳ باب ۹ و درس ۱ باب ۱ کتاب دوم سموئیل غلط ... صحیح ...
چنانچه در درس ۱۹ باب ۱۹ و درس ۱۸ باب ۱۹ کتاب دوم اخبار الایام واقع است در تفسیرهای مذکوره اینجا نیز اقرار
غلطی ... چهارم ... در درس ... دهم باب ... و چهارم کتاب دوم سموئیل ... و در درس ۱۲ ... از دهم باب
بیستم کتاب اول اخبار الایام لفظ ... واقع شده ... از این هر دو یقینا غلط است ... در تفسیر هنری
اسکات اقرار ... است ... و در درس ... لفظ ... و در درس ۹ ... باب ... سیوم کتاب دوم
سموئیل ... در درس ۵ باب ۳ کتاب اول اخبار الایام ... دختر عمییل و در درس ۲۱ باب ... کتاب
سلاطین ... و در درس ۱۷ باب ۲۱ کتاب دوم اخبار الایام ... غلط است صحیح ...
[illegible]
[illegible]
... اخبار الایام ... واقع شده ... صحیح ...
شده ... در ... غلط ... در تمام ... واقع
[illegible]

درین فقرات مقصود این عاجز معلوم نکرده که اخراج کرده شده در درس اول باب سیوم ملاکیا و
درس دوم باب پنجم میکاه و درس سیوم باب یازدهم زبور شمار دهم و درس یازدهم و دوازدهم باب
نهم عاموص و درس ششم باب هشتم زبور چهلم و درس چهارم زبور یکصد و دهم انتهی بحسب اقرار
این عاجز درین کتب خمسه در پنج موضع تحریف شده و همچنین در دیگر مواضع اقرار تغیر لفظی انقدر ما
میشود دفعه ۲۹ الخ مولوی صاحب در خط محرره ۲۰ رجب ۱۲۷۰ خطائی پادری صاحب گرفتند
فی الحقیقت در سه جا از پادری صاحب غلطی شده بجهت که پادری صاحب هیچ توجیه کردن نتوانستند
و ذکر آنهم در خط محرره ۲۴ اپریل ذکر آن میکردند دفعه ۵۵ پادری صاحب در خط محرره بجهم
اپریل لاچار شده اقرار نسخ و تحریف نمودند مگر راه اجمال رفتند مثل تقریر مباحثه و
خطوط مولوی صاحب که پادری صاحب هم مضمونی از مضامین آنها که منسوب بسوی ایشان اقرار پادری
صاحب بود ذکر نکردند و نگفتند که باید تفصیل و شرح آن اجمال بیان نمایند دفعه ۵۶ الخ مولوی
صاحب در خط محرره ۱۹ اپریل مطابق هشتم رجب از ده امر که احدی ازان نقیب
تعلق از خط پادری صاحب محرره پنجم اپریل میداشت استفسار نمودند و پادری صاحب
بعد رفع آن از جواب اصل الغرض نمودند همانا سبب آن همین خواهد بود که پادری صاحب
در زیادتی تفضیح خود ترسیدند و دیگر چون برای این کارها منصوب الله و بلحاظ عهده
خود این امرهم منجمله امور ضروریه در ذمه خود میدانستند لیکن بالفرض جواب آن رساله
هم مینوشتند که اهل فرقه ایشان مهلت چند روز میخواستند چنانچه برای مطالعه کتب
بحیثیت عزم پادری فرنچ صاحب علیگده مهلت چهارده روز طلب کرده بودند و بعد
حصول مهلت رساله در جواب آن می نوشتند دفعه ۵۷ الخ مولوی صاحب در خط
مذکور بابت نسخه های قدیمه که پادری صاحب ادعای مروج بودن آنها قبل از زمان
محمد نموده اند نگاشتند حقیقت دعوی پادری صاحب درینجا و در میزان الحق محض
ادعاست بی دلیل چنانچه در آخر مقصد دوم اعجاز عیسوی بتصریح تمام

بیان آن شده و در انجام هم بطور اختصار بیان می‌نمایم که این بیش از آنکه در باب صاحب مفتاح تفصیل
سیوم باب اول میزان الحق از نسخه‌های قدیمی سه نسخه نفایس شمرده در این باب تصور نموده اند
و ادعای بی دلیل نموده چنین تحریر میفرماید نسخه فارسیه مطبوعه سنه ۱۸۳۹ اعلام انجیل یک جلد از این
کتب که در دویست و پنجاه سال قبل از هجرت بتوسط قلم سمت تحریر یافته و تا زمان ما باقی و در شهر
بند کدکس واطیکانوس گفته در کتبخانه شهر روم واقع ولایت ایطالیه موجود هست و مجلد دیگری
دویست سال پیش از هجرت بتوسط خامه مرقوم گشته در کتبخانه موسوم بر طینیه واقع شهر
لندن موجود هست و آنرا کدکس الکسندریوس میگویند و شرح الفصح یک جلد دیگری که
باز بتوسط قلم مسطور و مانند کتاب بور کهنه است در یکی از کتابخانه‌های شهر پاریس
موجود است که آن کدکس افرمی میگویند انتهی میگوییم که برای این قدر قدامت چه نسخه هم
دلیل نیست آری بعضی علمای مسیحی محض بظن و تخمین مثل آن گفته اند و سلفاً و خلفاً در علما
مسیحی در این امر خلاف مرویست بار صاحب جلد دوم تفسیر جود در بیان حال کدکس الکسندریوس
مینگارد که در ضمن حواشی آنست که بعضی این نسخه را بسیار ستوده و بعضی بسیار مذمت نموده اند
و از دشمنان سخت او وتستین سردار است و بر قدامت او کلا مشکوکست و سملر او را محرره
اخیر صدی چهارم میگویند و میکائلس میگوید که بیشتر از صدی ششم مرقوم نشده و او درین محرره
صدی هشتم و زاکتر محرره صدی نهم میگویند و موند فاکن میگوید غالب آنست که
کدامی نسخه محرره بیشتر از صدی ششم نیست بالخصوص کدکس الکسندریوس و هیچ کدام نسخه یونانی در تحریر
وجود ندارد میگوید که در وسط یا اخیر صدی چهارم مرقوم گشته و باز در جای
در بیان جلد میگوید در ذکر حواشی آنست که در مقدمه ترجمه سبعین کدکس واطیکانوس که در سنه ۱۵۹۰ از این نسخه
منقول شده بقالب طبع آمده مرقوم است که این نسخه در اخیر صدی چهارم مرقوم گشته و
موند فاکن و هین جینی محرره صدی پنجم تا صدی ششم و دیوپن محرره صدی هفتم
و انگلس محرره صدی چهارم و ... مورخه اخیر صدی پنجم میگویند و

در کدامی دو نسخه از نسخهای ایشان اختلاف نیست که در نسخه دیگر الحاق کنند بنویس و در این نسخه
یافته می شود انتهی و باز در همان جلد در بیان قیمکس افرنجی می نگارد خلاصه او اینست که در آن
نسخه بر ورق صدی هفتم باب ششم نامه عبرانیین یک حاشیه مرقوم است که از آن محققین استدلال
گرفته که این نسخه قبل پانصد و چهل و دو سنه مسیحی مرقوم گشته لیکن میکائیلس دلیل او را تمام نمیدانند
و خود همین قدر میگوید که کهنه است و پیشتر او را محرره صدی هفتم می گوید انتهی پس از
این اقوال منجلی میگردد که کدامی دلیل چنین نیست که از آن معلوم میگردد که این نسخهای در
کدام صدی مرقوم شده اند بلکه بظن غالب خود می گویند و بحسب آن نسخه اولین نزد بعضی محرره
صدی ششم یا بعد آن نزد بعض محرره صدی هفتم و نزد بعض نسخه دهمی همچنین نسخه سوم
محرره صدی هفتم اند و موافق این اقوال ظاهر که این نسخهای محرره قبل از ظهور نیستند لهذا
مولوی صاحب در خط محرره ۲۵ رجب نوشته اند اور یہ نسخہ جو کہ عہد عتیق کی کتابوں کا
نام کیا ذکر کریں بس کہ ہم ہر یہ سب بے سند کتابیں جنکی مصنفین کا بھی بالیقین پتا نہیں
لگتا حجت نہیں ہو سکتیں در صورت بجود کمان پادری صاحبان قابل اعتبار و
پذیرا شود و حق اینست که چون در مسیحیان از صدی دوم برای بهبودی دین دروغ و کذب
از مستحبات قرار یافته بود چنانچه بیانش در دفعه ام گذشت نظر بر آن بعد ظهور شوکت اسلام
و شیوع دین احمدی در اکناف عالم کدامی یهود یا متعلقین او در صدی هفتم یا یازدهم برای
اغوای عوام این نسخهای جعلی طیار کرده گفته باشد که این نسخهای قبل از زمان محمد ص
مرقوم شده و این امر بعید نیست زیرا که در صورتیکه حضرات مسیحیان برای اغوای
عوام و در مقابل مخالفان خود بسیار اناجیل و نامجات از نام حواریین و تابعین
حواریین که تفصیل آنها در دفع ام گذشت جعلی طیار کرده باشند از جعل این
نسخه هیچ جای شکایت نیست دفعه پادری صاحب محض مباحثه را به عذر کم خفت آن
از تحریر مولوی صاحب بعد هدایت موقوف کردند و برای حاضرین آن دو جلسه دوم

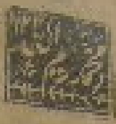
برای ناظرین مباحثه هذا الفتوی بعضی باقی ماند که اگر مباحثه منقطع نشده حال مسئله تحریف و
الوهیت جناب مسیح و حقیقت دین نبوت حضرت خیر البشر و حقیقت قرآن نیز مجمل مسئله
نسخ و تحریف بهر کس منجلی گشت دفعه ۵ اگرچه مولوی صاحب در تحقیق نامه دوم پطرس و
نامه یعقوب و غیرها نوشته جواب آن در کتاب اعجاز عیسوی داده اند بنا بر فصل دوم مقدمه
این کتاب اقوال علمای مذکوره منقول شده اند لیکن بخوف طوالت از نقل آنها در اینجا
اغماض ورزید دفعه ۶ اگرچه مولوی صاحب در باره انجیل متی ارقام فرموده اند
مذهب جمهور علمای محققین مسیحی خصوصا قدما این است که این انجیل در عبری بود و در این
مجادلت در تفسیر قول ... درج شده است که در زمانه متاخر درین امر اختلاف افتاده
که این انجیل در کدام زبان بود بسیار قدما صراحةً میگویند که متی انجیل خود را در زمان
عبری که در زمانه او در ملک فلسطین رایج بود تحریر نموده است و درین قسم قول متفق علیه
قدماء { که این انجیل در عبری بود } قول منصفین است که آن باید دفعه ۷ چون
پادریصاحبان چهل سال ما را فریب میدهند که این مجموعه عهد عتیق و عهد جدید همان انجیل است
که ذکرش در قرآن آمده و حال آنکه این محض غلط است لهذا در اینجا مناسب افتاد
که فتوی علمای دهلی درین باب نقل کنیم تا مردم از وسوسه اندازی پادریصاحبان
نجات یابند چه میفرمایند علمای دین کثرهم الله تعالی درین باب که درین مجموعه عهد
جدید که الحال پادریصاحبان ترجمه های او تقسیم مینمایند و مشتمل است بر چهار صحیفه که در
حالات مسیح و اقوال ایشان بطور تاریخ از اول ولادت تا عروج آسمان مرقوم است و
در هر چهار مصرح است که مسیح مصلوب شده و مشتمل است بر کتاب اعمال حواریین که تصنیف
لوقا تابعی است و در وی حال حواریین بطور تاریخ مرقوم است و بر چهارده نامه پولس
و یک نامه یعقوب و دو نامه پطرس و سه نامه یوحنا و یک نامه یهودا و کتاب مشاهدات که در جا
بالغیب منسوب به یوحنا است آیا این انجیل اصلی ... و یک ... بهر دو فرق ... خود

یا از کجا عبارت انجیل این موجود است همین که شده ذکر آن در قرآن انجیلی و نیز
انجیل بود که فقط بر عیسیٰ نازل شده بود بینوا توجروا

جواب

نزد اہل اسلام انجیل عبارت از کلام الٰہی تبارک و تعالیٰ است که بر حضرت عیسیٰ علی نبینا و علیہ الصلوٰۃ
و السلام نازل شده بود مشتمل بر ہدایت و نور و مصدق احکام تورات و نصیحت الٰہی چنانکه در قرآن
مجید مذکور است قوله سبحانه وقفينا على آثارهم
بعيسى ابن مريم مصدقا لما بين يديه من التوراة وآتيناه
الانجيل فيه هدى ونور ومصدقا لما بين يديه من التوراة
وهدى وموعظة للمتقين وليحكم اهل الانجيل بما انزل
الله فيه ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون
وانزلنا اليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه من
الكتب ومهيمنا عليه وفي التفسير البغوي و
معنى امانة القرآن ما قال ابن جريج القرآن امين على ما
قبله من الكتاب فما اخبر اهل الكتاب عن كتابهم
فان كان في القرآن فصدقوه والا فكذبوه وقال سعيد بن
المسيب والضحاك قاضيا وقال الخليل رقيبا وحافظا
والمعاني متقاربة ومعنى الكل ان كل كتاب يشهد
بصدقه القرآن فهو كتاب الله والا فلا انتهى وفي
التفسير المظهري بعد قوله فكذبوه يعني ان كان في
القرآن تصديقه فصدقوه وان كان في القرآن تكذيبه
فكذبوه وان كان القرآن ساكتا عنه فاسكتوا عنه لاحتمال

الصدق والکذب من اهل الکتاب ۱۲ والله سبحانه ولی التوفیق







[illegible]

سجاده نشین [illegible]

مدرس جامع مسجد [illegible]

جواب ثانی

در صورت مرقومه بر متبصران شریعت غرا و متدبران ملت بیضا اظهر من الشمس است تمام انجیل
نبودن به تراجم مذکوره یا اصل اناجیل اگر مطابق همین تراجم مسطوره
یعنی کلام ربانی که او تعالی جلشانه با انزال فرمودن آن بر حضرت عیسی علی نبینا و علیه
الصلوة والسلام در قرآن مجید خبر داده و نزد علماء شریعت محمدیه علی صاحبها
الف صلوة و تحیه بتواتر احادیث مروی محفوظ نیست بلکه بخبر مشهور و اعمال حواریین که
تصنیف لوقا ابی است و همچنین نامجات پولوس وغیره بمذهب ما داخل انجیل نیستند
بلکه انجیل نزد ما فقط عبارت از آن کلام حضرت عیسی ع بود که موافق وحی ربانی ارشاد
آن فرموده اند پس اطلاق کلام ربانی برین مجموعه بلا سند شرعی چگونه کرده شود و بلکه اطلاق
کلام ربانی بر اصل توریت که بزبان عبرانی بود و بر مجموعه اصل انجیل بسبب تحریفات
کثیره هم نمی تواند شد زیرا که تحریفات کثیره در اصل هر دو کتاب توریت و انجیل ازین ان
واقع شده و قرآن شریف ما بر تحریفات ایشان ناطق است قال الله تعالی فویل للذین یکتبون
الکتاب بایدیهم الآیه یحرفون الکلم عن مواضعه و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون
و یقولون هو من عند الله و ما هو من عند الله و یلبسون الحق بالباطل و یکتمون الحق و هم

یعلمون الآیة و دیگر بسیاری از آیات کریمه بتحریفات ایشان دلالت میکند
کالشمس فی رابعة النهار لهذا اهل تفسیر گفته اند لانهم یحرفونها و ینکرون وجود
تلک الآیات الدالة علی نبوة محمد صلی الله علیه وسلم کذا فی التفسیر النیشابوری فیه
نیز باید دانست که تحریفات لفظیه و معنویه هردو از ایشان واقع شد و قد صح
کثیرا ان الیهود والنصاری بدلوا الفاظا کثیرة من التوراة والانجیل و الفوا بغیرها من
قبل انفسهم و حرفوا ایضا کثیرا من المعانی بتاویلها علی غیر الوجه کذا فی
القسطلانی و قد سرد ابن حزم فی الفصل فی الملل والنحل اشیاء الکثیرة من
هذا الجنس منها ان ابنتی لوط بعد هلاک قومه ضاجعت کل منهما اباها بعد ان سقته خمرا
فوطی کلا منهما فحملتا منه الی غیر ذلک من الامور المنکرة کذا فی فتح الباری
مختصر آنکه هرگاه که حال اصل کتاب اینست تراجم این را چه اعتبار
کما لا یخفی علی ذوی الابصار والله اعلم بالصواب



جواب صورت خواهد بست

قطعه تاریخ رساله ابروزن فاعلش محرر

یافته در آگره محفل بحث انعقاد
مؤمن وقت رسا بهم آمده در گفتگو

حرف نصاری که ما در ره حق میرویم
قول مسلمان که نیست آنچه تراهیچ رو

اهل فرنگ از حسد کرده بهم اتفاق
تا بهر بند از میان گوی علو از علو

زانطرف اندر کلام پادری نکته سنج
زینطرف اندر سخن فاضل انصاف جو

تا دم عیان شد که هی آثار کفر
واقف هر سر که در ساز زمانه هر رنگ بو

هر دو بآغاز بحث ساخته ساز سخن
هر دو بقصد ستیز آمده در گفتگو

کرده دران شکی عالم و جاهل هجوم
صف بصف استاده خلق منتظر از هر دو سو

دعوی تحریف را کرده بر روی آب
تا بهر شدش بهم رفته بسی جستجو

لیک تائید حق نصرت دین رخ نمود
شاهد مطلب شتافت بر حسب آرزو

پادری آمد بگفت آنکه در انجیل ما
حرف غلط چون هزار آری آورده رو

زین سبب آوازه داد بمیان عام خرم
هر دو بمیدان علم حضرت محمد دم کو

هاتف گفتا که تو سال اینچ فتح دین
پادری الزام خورد از مدد حق بگو

تمه بالخیر بید محمد بن سلیمان عفی عنهما ۱۳۰۶

اللهم اقطع رجائی عن
الدارین و امنی فیک